

## شیاطین در صور بشری

ابلیس در انکارش نسبت به مقام خلافت الهی انسان بود که شیطان و ملعون درگاه حق و اسوۀ کفر و ضلالت و پلیدی گردید زیرا گفت: من آدم را سجده نمی کنم و پرستنده خدای نادیده هستم که شش هزار سال است که او را می پرستم!

لذا طبق قول الهی، کافران هم منکر وجود خدای یگانه نیستند بلکه خدای را نادیده و در ورای آسمان ها می خوانند و رسولان و اولیاء و خلفای او را که مظاهر تجلی او هستند منکر می شوند یعنی ابلیسی می شوند.

پس هر که جلوه ای از حق را در انسان دید ولی انکار نمود خلق و خوی ابلیسی می یابد و نهایتاً یک شیطان می شود در صورت بشری! این همان مصداق شیطان انسی در قرآن است که بقول علی<sup>(ع)</sup>، چه بسا شیطان در صورت بشری!

اینست که بقول رسول اکرم<sup>(ص)</sup>، آن را که امامی حی نیست ایمانی هم نیست و انسان بی امام، کافر است. و چنین انسانی را نمازی هم نیست الا نماز ابلیسی!

اولیای خدا بر روی زمین مظاهر تجلی پروردگار برای مردمان هستند و همان مظاهر آدمیت می باشند و خلق خدا در قبال این انوار آدمیت و الهیت امتحان می شوند و بین کفر و ایمان انتخاب می کنند که منکرین به جرگه شیاطین می پیوندند و مؤمنین بر جنات نعیم وارد می شوند.

علی اکبر خاندجانی

۱۴۰۱/۰۱/۳۰